

رنگ شهر

نقش رنگ در مفاهیم اجتماعی امروز



حمید نوایی
پژوهشگر دکتری شهرسازی

hamid.navaei@wanadoo.fr

توسعه شهری در اغلب کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه، محیط شهری و فضاهای عمومی را به حالت معلق و آشفته نگه می‌دارد تا حدی که مشکلات اقتصادی و اجتماعی هر کشور، نحوه سیاست‌گذاری در محیط‌های شهری را متفاوت کرده است. شهر به عنوان قلمرو زندگی جمعی و با دامنه مطالعاتی متعدد، همواره محل تأمل اندیشمندان و برنامه‌ریزان بوده است. در شهرسازی نوین، نقش رنگ و نحوه مصرف مصالح رنگی و ضوابط مختص آن، جزء مقوله‌های مطالعاتی اغلب جامعه‌های توسعه‌یافته است و منشورهای متفاوتی جهت آرایش سیمای بصری و همچنین سیمای روحی - روانی شهرهای این کشورها به وجود آمده است. در اثر گسترش محیط شهری و توسعه ابعاد مختلف آن چه از نظر فیزیکی و چه از نظر مناسبات اجتماعی، شرایط چنان صدق می‌کند که برای ایجاد یک تعادل در محیط و کسب یک بهداشت سالم روحی - روانی در فضاهای شهری، به مقوله رنگ و نقش آن در دامنه شهرسازی پرداخته شود و با به دست آوردن منشوری ویژه و مختص با ساختار فیزیکی هر شهر، امکان توسعه‌ای پایدار را به وجود آورد.

واژگان کلیدی: زندگی شهری، رنگ، منظر شهر، طرح هادی رنگ محله.

درک و مفهوم رنگ

همه انسان‌ها دارای یک سیستم یگانه برای دیدن هستند؛ چشم همه یکسان عمل می‌کند و اگر متفاوت درک می‌کنند، این چشم نیست که متفاوت قضاوت کرده، بلکه این استنباط مغزی و تحلیل و پردازش توسط آن است که موجب می‌شود درک از یک چیز ثابت برای دو فرد هم فرهنگ که حتی در کنار هم نشسته‌اند نیز، متفاوت باشد. در واقع رنگ و درک آن در محیط، پدیده‌ای ذهنی است. ما به رنگ‌ها بنا به نیازهایمان ارزش داده و آنها را حامل پیام و احساس می‌کنیم. مسلماً مفهوم رنگ و نحوه کاربرد آن در همه تمدن‌های بشری یکی نیست. معنای رنگ و اثر روحی - روانی آن حتی در یک جامعه، تابع زمان و مکان است و محتوای آن از زمانی به زمان دیگر تغییر می‌کند. شناخت این دامنه‌ها، گنجینه‌ای از باورهای مذهبی، فرهنگی و اجتماعی را آشکار می‌کند. بشر از این دامنه‌ها استفاده کرده تا بتواند تمام رازها، خیال‌ها، باورها و ارزش‌های فرهنگی خود را کدبندی کند و با بیانی ساده پیام خود را بر روی اجزای تشکیل‌دهنده این دامنه‌ها حک کرده و به نسل‌های بعدی انتقال دهد.

رنگ دارای مفهوم ذهنی (subjective) است؛ بنابراین مطلوبیت کار با رنگ نیازمند شناخت مفهوم‌های ذهنی آن است که جامعه در سیر تحولات خود از بدو پیدایش آنها را خلق و باور کرده است. شاید برای بسیاری از افراد دیدن رنگ‌ها شادی‌بخش باشد و این حداقل حسی است که از دیدن رنگ‌ها نیز انتظار می‌رود. اما پرسش اینجاست که نقش غالب رنگ در منظر شهری چیست؟

هم‌زمانی در تعریف منظر شهری

در دامنه مطالعات شهری دو برداشت از مفهوم منظر می‌توان یافت. برداشت اول به شکل فیزیکی محدود می‌شود؛ در این راستا منظر شهری ما را به خواندن دستور زبان بصری محیط سوق می‌دهد، یعنی رابطه بین پر و خالی، سطح اشغال و ارتفاع، چگونگی شکل‌گیری محیط فیزیکی شهر و توسعه آن در گذر زمان. این بعد از دامنه شهری بیشتر مد نظر معماران و شهرسازان است که شهر را تحت عنوان یک سوژه منفرد مورد بحث قرار می‌دهند. برداشت دیگر، منظر شهر را تحت عنوان چارچوبی برای نشان‌دادن هویت شهری و عادات اجتماعی در آینده هویت بصری معماری معرفی می‌کند. منظر شهری در این تعریف، ساختار فیزیکی شهر را گویای فرهنگ اجتماعی می‌داند، به طوری که با قرائت دستور زبان بصری محیط شهری، سیر تحول اندیشه مولد آن آشکار می‌شود. بنابراین با درک وجود تفاوت‌ها، این نکته حائز اهمیت است که فقط بر ابعاد بصری شهری بسنده نکنیم.

به این ترتیب در هر یک از دامنه‌های علم شهری می‌توان مفهومی خاص در مورد منظر یک شهر به دست آورد. سیمای اجتماعی یک شهر ابتدا نوع و کیفیت مناسبات رفتاری مردم شهر را نسبت به یکدیگر مطالعه می‌کند. چیزی که به آن immaterial یا spiritual یعنی همان روح اعتقادی حاکم بر محیط گفته می‌شود. در این گستره به مطالعه مناسبات و رفتارهای اجتماعی بین مردم یک شهر و جنبه‌های غیرفیزیکی شهر پرداخته می‌شود و در اینجا است که این تعریف از منظر، ما را به شناختی از موزائیک اجتماعی مردم یک شهر یا به عبارتی

و در بین یک قوم باشد. به عنوان مثال هویت شهر اصفهان فقط به خود محیط اصفهان ختم نمی‌شود. در ساختار کالبدی بافت قدیم شهر اصفهان ساختار ارگانیکی دیده می‌شود که الگوی توسعه فضایی آن با سایر شهرهای اسلامی مشترک است. این الگوی مشترک، ریتم‌دهنده شکل فیزیکی شهر بوده و هویتی را ایجاد می‌کند که گویی همه هسته‌های اولیه شهرهای اسلامی بنا به یک ریتم و قاعده و یا یک سیستم واحد اعتقادی و فکری سازماندهی شده است. به این بعد از شهر «خصلت ویژه شهری» گفته می‌شود. در مقیاس دیگر، اصفهان دارای ویژگی‌های خاص خود است که آن را از دیگر شهرهای دنیا و حتی در بین شهرهای ایران متمایز می‌کند. این ویژگی‌ها بر پایه معماری خاص منطقه‌ای همچون تأثیر اقلیم، نوع طبیعت و خاک، مصالح و مواد ساختمانی بوم‌آورد، کیفیت دانش معماری و طراحی مردمان منطقه و اعتقادات قومی تعریف می‌شود و این بعد خاص را از بعد عمومی مجزا و متمایز می‌کند. به این نوع از ویژگی شهر می‌توان خصلت ویژه گفت که نقش رنگ در آن بهتر نمایانگر می‌شود.

نقش رنگ در محیط شهری

با در نظر گرفتن معیارهای تاریخی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و از همه مهم‌تر اقلیمی محیط شهری، می‌توان ضوابطی ایجاد کرد که تعریفی درست و روشن از رنگ، مواد و مصالح، فرم و حجم، ارائه کرده به طوری که همگی با ریتمی نشأت‌گرفته از فرهنگ اجتماعی حاکم بر محیط انجام شود. همان‌طور که گفته شد، رنگ زنده و پویا است. رنگ، عامل بروزدهنده و آشکارکننده تمام نیروهای اعتقادی و فکری یک فرد یا قوم، ارتباط‌دهنده کدهای اجتماعی نسل گذشته به نسل حال و آینده، حامل پیام و کلیه ارزش‌های یک قوم برای انتقال از نسلی به نسل دیگر و عامل تخلیه‌کننده و پرکننده روح و روان است. در تباری رنگ‌ها، قدرت پویایی وجود دارد؛ زمانی که این پویایی به انسان اجازه تخلیه روحی دهد، فضای روحی - روانی متعادلی به وجود خواهد آمد که انسان در آن به آرامش دست خواهد یافت. در این حالت به چیزی خواهیم رسید که

ساده‌تر به هویت شهری ارجاع می‌دهد.

امروزه ورود امکانات جدید رفاهی مانند سیستم راه و ترابری بین شهری، سیستم حمل و نقل داخل شهری و همچنین تأثیرات برق و گاز و مخابرات در توسعه محیط شهری؛ کالبد فیزیکی و مناسبات اجتماعی را دگرگون کرده است؛ به نحوی که تأثیر این تحولات بر شکل فیزیکی کاملاً مشهود است و باعث ایجاد یک نوع عدم تعادل در سیمای بصری شهر بین شکل و فرم از یک طرف و اغتشاش در مناسبات اجتماعی در بعد روحی - روانی از طرف دیگر شده است. این امر، چیزی جز مغفول ماندن برخی مسایل نظیر ساخت و ساز، عدم کنترل تغییرات در معماری منظر، نداشتن ضوابطی صحیح برای ایجاد تغییر و اجازه گسترش صحیح رشد فکری در قالب الگوهای معماری متعادل نیست.

خصلت ویژه شهری

ساختار کالبدی منظر در هر مکان چه شهری و چه روستایی دارای ویژگی‌های خاص خود است (Les traits spécifiques paysagers) که ما به آن خصلت ویژه می‌گوییم و در ذهنیت مردم نسبت به آن مکان و ویژگی‌های محیطی‌اش یک نوع منش به وجود می‌آورد. این ویژگی‌های محیطی و منشی که از آن حاصل می‌شود هویت و شخصیت حاکم بر محیط خود را آشکار می‌سازند. یعنی ارتباط بین شکل و مناسبات اجتماعی را به طور هماهنگ بیان می‌کند. یک منظر شهری مناسب از تعادل بین سیستم فکری و اعتقادی مردم با ساختار فیزیکی شهر برخوردار است؛ تعادل بین فیزیک و متافیزیک. منظر شهری باید رابط و نمایانگر ساختار فیزیکی شهر با نوع مناسبات اجتماعی و اعتقادی حاکم بر محیط آن و بیانگر هویتی که دارای چندین مقیاس بوده و دارای فصل مشترک با سایر شهرها است، باشد؛ هویتی جامع و در مقیاس بزرگتر از محیط شهر که باعث ایجاد حس وحدت بین اجزا شهر مورد نظر با سایر شهرهای اطراف واقع در یک منطقه شود که به آن «نیروی هویت منطقه‌ای» گفته می‌شود. در مقیاس بعدی به دنبال هویتی ملی باید بود که پیونددهنده شهر با سایر شهرها در یک کشور

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



به آن «زیبا» گفته می‌شود.

از دیرباز انسان از رنگ برای نشان دادن سطح گروه اجتماعی خود و متمایز نمودن آن از دیگر گروه‌ها استفاده نموده است؛ جامعه ساسانیان، مسلمانان، کاتولیک‌ها، پروتستان‌ها و ... برای رنگ‌ها نقش نمادین، آیینی و تعیین‌کننده نظام فکری و فرهنگی، قائل بودند. اما امروزه، در اثر گسترش ارتباطات و شکل‌گیری فرم جدید زندگی شهری، رنگ‌ها دیگر در دامنه‌های فرهنگی گذشته خود تعریف نمی‌شود. رنگ به عنوان یک پدیده مورد بحث قرار گرفته و به دنبال آن برای هر عملکرد و منظور، رنگی خاص به آن اختصاص می‌گیرد. باید توجه داشت که فقط اختصاص دادن یک رنگ به یک عملکرد کافی نیست، بلکه پویایی که در هر طیف رنگ دیده می‌شود، باید بر عملکرد انتخابی آن انطباق داشته باشد. برای دسته‌بندی کردن رنگ‌ها در محیط شهری نمی‌توان تنها به عامل سرد و گرم بودن آنها اکتفا نمود. در حوزه معماری و شهرسازی هیچ رنگی به تنهایی تعریف نمی‌شود، بلکه نسبت به رنگ‌های دیگر سنجیده می‌شود. سرد یا گرم بودن، شاد و یا غمگین بودن، فقط به یک طیف رنگی بستگی ندارد، بلکه به طریقه مصرف رنگ، نوع رنگ و سطح رنگ‌خورده، مات یا براق بودن و از همه مهم‌تر نوع پیام که رنگ حامل آن است، بستگی دارد.

طرح هادی رنگ محله

به نظر نگارنده بعد فیزیکی منظر شهری در قالب شکل ساختار و ترکیب معماری شهری ظهور کرده و «سیمای شهری» نامیده می‌شود. در این گستره بیشتر به نوع ترکیب بافت‌های مسکونی، بافت‌های خیابانی، فضاهای سبز شهری و محیط طبیعی شهر پرداخته می‌شود. برای بیان این گستره در دستور زبان و ادبیات خود، اصطلاحاتی وجود دارد که اغلب فضاهای شهری بر پایه آنها سنجیده می‌شود. از جمله این اصطلاحات می‌توان به مقیاس، سبک معماری، رنگ و مصالح، متن

نما، شفافیت، سادگی و خوانایی در ترکیب اشاره کرد (تصاویر ۱ و ۲). بنابراین برای شناسایی و تجزیه و تحلیل ساختار یک فضای فیزیکی در یک شهر، سعی می‌شود که ابتدا فضای مورد نظر را نسبت به موارد ذکر شده تحلیل کرده و رابطه آن را با بعد دوم تبیین نمود. بعد دوم از منظر که غیرفیزیکی (Immaterial یا spiritual) است، به «سیمای اجتماعی» معروف است که جنبه‌های اجتماعی شهر را در بر می‌گیرد.

در طرح هادی رنگ و نما در منظر شهری، باید موزائیک اجتماعی مردم در محله‌های مختلف نشان داده شده و مشخص شود که چگونه و بر چه اصولی محله‌ای از محله دیگر متمایز می‌شود. در کجا، چه زمان و در چه نوع از مناسبات اجتماعی مردم یک شهر با هم متحد یا از یکدیگر متمایز می‌شوند؛ مانند عید نوروز، مراسم عاشورا، روز اول مهر. از طرفی دیگر چگونه این مناسبات در محله‌های مختلف، منظر شهری و هویت آن را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. موارد ذیل مفهوم طرح هادی رنگ محله را تبیین می‌کند:

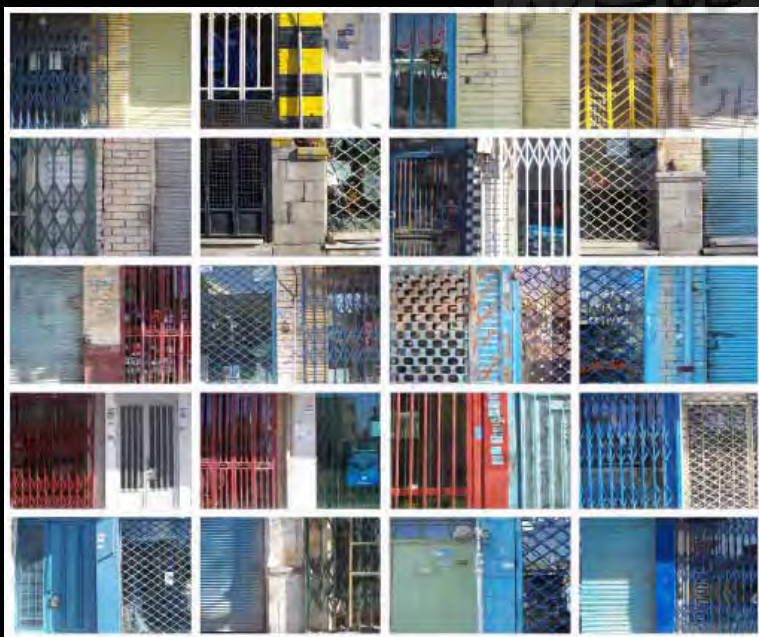
۱) تداوم هویت،

سیر اندیشه و خارج شدن از یکنواختی تمام محله‌های شهر

مسلماً اگر قرار باشد که برای تمامی محله‌ها و مناطق یک شهر فقط از ضابطه‌های موجود، در یک طرح هادی رنگ استفاده شود، این خود باعث ایجاد حالت یکنواختی در شهر خواهد شد. به عبارتی، بعد از مدتی کلیه محله‌ها دارای بناهایی خواهند شد که ریشه در ساختار محله خود ندارند و با ریتم و متن رنگی جدا از زمینه ساخته می‌شوند.

۲) تعیین نوع مصالح و روش کاربرد آنها

به کمک طرح هادی رنگ و نما در بافت‌های قدیمی شهر، جایی که اغلب بناهای تاریخی، فرهنگی و سنتی قرار دارند، می‌توان طبق ضابطه‌های مندرج در طرح (تعیین خطوط ارتفاع، متن نما، ریتم پنجره‌ها



مشاور معمار مسئول در منطقه، متنی موزون با متن طرح هادی ولی نه به صورت کپی اختیار نماید.

۵ تعیین متن نما در طرح هادی رنگ و نما

با در نظر گرفتن عوامل ذکر شده باید به کشف طیف‌های رنگی خنثی ولی پایدار در محیط شهری دست یافت و به کمک این طیف‌های رنگی مصالح ساختمانی را انتخاب کرده و با روش‌های مختلف در کاربرد مصالح، تعادل رنگ خنثی در محیط شهری را حفظ نمود. باید همواره در نظر داشت که زیباترین رنگ، رنگی است که دیده نشود.

منظر شهری باید رابط و نمایانگر ساختار فیزیکی شهر با نوع مناسبات اجتماعی و اعتقادی حاکم بر محیط آن و بیانگر هویتی که دارای چندین مقیاس بوده و دارای فصل مشترک با سایر شهرها است، باشد؛ هویتی جامع و در مقیاس بزرگتر از محیط شهر که باعث ایجاد حس وحدت بین اجزا شهر مورد نظر با سایر شهرهای اطراف واقع در یک منطقه شود.

جمع‌بندی

در حوزه معماری و شهرسازی، رنگ به معنای فیزیکی خود وجود ندارد. بلکه این رابطه‌ها است که در پی یکدیگر آمده و توسط پویایی رنگی ظهور می‌نماید. ریتم‌ها، تناسبات، پر و خالی‌ها، متن رنگی همگی قدرت دینامیکی خود را جمع کرده و در نهایت از تعادل این اجزاء می‌توان به رنگ مطلوب یعنی رنگ خنثی در محیط دست یافت. مسلماً اگر رنگ‌ها و مواد؛ متناسب، درست، به جا و با ریتم در نظر گرفته شود، به طوری که دامنه رنگی با پویایی تمام بتواند فرهنگ و اثر ژنتیکی شهری را بیان کند، محیطی خلق خواهد شد که به آن زیبا می‌گوییم. محیطی که به انسان اجازه می‌دهد در آن تخلیه روحی صورت گیرد.

و غیره ... نوع مصالح و روش کاربرد آنها را مطابق با الگوی پوششی تعیین شده انتخاب نمود. هم‌اکنون در بافت قدیم شهر پاریس برای هر محله و حتی برای هر بنا، جهت حفظ تعادل از نظر معماری منظر یک طرح هادی رنگ و نما در مقیاس بسیار کوچک تعیین شده است.

۳ رسم خطوط اصلاح ارتفاع

این خطوط ارتفاع نه به نسبت عرض خیابان و کوچه بلکه نسبت به یک خط فرضی که در محیط قابل قبول باشد، انتخاب و تعیین می‌شود. مسلم است که ارتفاع یک بنا در طرح‌های تفصیلی به خوبی بیان شده است، ولی از نظر معماری منظر و ایجاد هارمونی بین خط آسمان بناها و محیطی که در آن قرار گرفته‌اند، ممکن است دو یا چند خط ارتفاع تعیین شود؛ این خطوط اصلاح ارتفاع دیگر براساس نظام قبلی یعنی نسبت به عرض معبر و یا بزرگی زمین‌های مجاور تعیین نمی‌شوند.

۴ طرح الگوی پوششی از پیش تعیین شده (enveloppe Gabarit)

منظور از طراحی الگوهای پوششی در طرح هادی رنگ و نما در اصل حفظ و حراست از منظر دید است. در بخش‌های قدیمی شهری بعضی از مناطق در مجاورت معابر مهم که دارای خط دید مهم از نظر معماری و منظر است، طرح هادی رنگ طبق ضوابطی خاص اقدام به تعیین یک سری الگوهای پوششی می‌کند. الگوهای پوششی ارائه شده، مبنای ساخت و سازی خواهد شد که به دنبال آن کلیه بناها باید از آن پیروی نمایند. بر روی این الگو ممکن است دو یا چند خط اصلاح ارتفاع نقش بسته باشد که به طبع فرم پنجره‌ها، پر و خالی‌ها، متن نما، همگی باید هماهنگ باهم باشند. البته در طرح هادی رنگ منظور ما از پیروی الگوهای پیشنهادی، ایجاد هارمونی از طریق تکرار اجزاء نما نیست و قصد بر آن نداریم که مدلی را ارائه نماییم که کلیه بناهای دیگر از آن کپی نمایند، بلکه تحت عنوان نمای شاخص؛ کلیه خطوط افقی، عمودی، خط آسمان، خط ارتفاع، متن نما و ریتم معماری محلی تعیین شده و طبق رابطه‌ای منطقی، مصالح ساختمانی رنگی در جایی که لازم باشد مصرف خواهد شد. کلیه بناهای دیگر می‌توانند با حفظ یک یا دو خط ارتفاع در نمای خارجی و هم‌ردیف شدن در خطوط افقی و هم‌سویی در متن نما نسبت به این الگو هم‌تراز و هم‌سو شوند. در مورد متن نما، هر بنا می‌تواند براساس ریتم انتخابی از طریق مهندس

منابع

- Aubry, Pascal; Donadieu, Pierre; Laffage, Arnaud; Le Dantec, Jean Pierre; LuginÜhl; Yves, Roger, Alain;
- Beraue, Augustin (2006) *La Mouvance II Soixante-dix mots pour le paysage*, Edition de La Villette, Paris.
- Berque, Augustin, Conan, Michel; Donadieu, Pierre; Lassus, Bernard; Roger, Alain (1994) *Cinq propositions pour une théorie du paysage*, sous la direction d'Berque A, Seyssel, Champ Vallon.
- Berque, Augustin; Conan, Michel; Donadieu, Pierre; Lassus, Bernard; Roger, Alain (1999) *La Mouvance, cinquante mots pour le paysage*, Edition de La Villette, Paris.
- Donadieu, Pierre; Perigord, Michel (2007) *Le Paysage*, Armand Colin, Paris.
- Lassus, Bernard (2004) *Couleur, lumière, paysage*, Paris, Monum, Editions du Patrimoine.
- Le Boudec, Bertrand (1998) *La Mémoire des Paysages*, dans la revue de PARIS PROJET No.32-33, Edition Atelier Parisien d'Urbanisme, Paris.
- Perigord, Michel (1996) *Le paysage en France*, Paris, Que sais-je ?
- Roger, Alain (1997) *Court traité du paysage*, Gallimard.